

غزل شماره ۷۴

حاصل کار که کون و کان این همه نیست
باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست

از دل و جان شرف صحبت جانان غرض است
غرض این است، و گرنه دل و جان این همه نیست

منت سدره و طوبی ز پی سایه مکش
که چو خوش بگری ای سروروان این همه نیست

دولت آن است که بی خونِ دل آید به کنار
ورنه با سعی و عمل باغِ جَنان این همه نیست

پنج روزی که در این مرحله مهلت داری
خوش یاسای زمانی که زمان این همه نیست

بر لبِ بحرِ فنا متطیریم ای ساقی
فرصتی دان که ز لب تابۀ دهان این همه نیست

زاهد ایمن مشو از بازیِ غیرت، زنهار
که ره از صومعه تا دیرِ مغان این همه نیست

درمندی من سوخته زار و نزار

ظاهراً حاجتِ تقریر و بیان این همه نیست

نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی

پیش رندان رقم سود و زیان این همه نیست

تفسیر فال

مسئله‌ای به این کوچکی را بزرگ نکن. زندگی کوتاه و پر از چالش‌های کوچک و بزرگ است؛ بنابراین، در چند صباحی که زنده هستی، سعی کن خوش باشی و اجازه نده که دغدغه‌ها و مسائل جزئی تو را آزار دهند. آیا می‌خواهی همه چیز را بدون هیچ گونه تلاش یا کوششی به راحتی به دست بیاوری؟ نکته‌ای که باید در نظر داشته باشی این است که در مسیر حق و خداوند قدم نمی‌گذاری، اما انتظار داری که بهشت نصیب تو شود. نامت نیکوست؛ پس

کمی تامل کن و به عاقبت کارهایی که انجام می‌دهی بیندیش. آیا واقعاً
سزاوار آنچه آرزو داری هستی؟ زندگی با تلاشی معنادار می‌تواند پاداش‌های
بزرگتری برای تو به ارمغان آورد.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا